

دیپلماسی نوین هند و نگرش این کشور به سازمان همکاری شانگهای

محمدجواد قهرمانی* / محمدرضا حق شناس**

چکیده

نگرش مثبت و تمایل به همکاری با سازمان همکاری شانگهای توسط هند نشأت گرفته از سیاست خارجی نوین هند می‌باشد که از دهه ۱۹۹۰ دنبال شده است. اگر بخواهیم بصورت خلاصه این سیاست خارجی را وصف نماییم می‌توان آن را سیاست خارجی عملگرایانه نامید که به دنبال تأمین منافع ملی و نه منافع ایدئولوژیک می‌باشد. این سیاست نقطه مخالف سیاست خارجی این کشور پیش از این دهه می‌باشد. یکی از الزامات این سیاست کنار گذاشتن سیاست حاصل جمع صفری و دنبال کردن سیاست حاصل جمع مضاعف می‌باشد. این امر هند را ملزم به همکاری با اکثر کشورها، نهادها و مناطق دنیا کرده است. از این طریق منافع این کشور به صورت بهتری تأمین خواهد شد. اعلام همکاری و تلاش برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای نیز از این منطبق پیروی می‌کند. همکاری با اعضای این سازمان می‌تواند در متنوع سازی منابع انرژی این کشور کمک کننده باشد. مقابله با تروریسم که یکی از دلمشغولی های هند می‌باشد از طریق این مکانیسم چندجانبه بهتر تأمین خواهد شد. تجارت بیشتر با کشورهای عضو و بویژه جمهوری‌های آسیای مرکزی برای این کشور سودمند می‌باشد. این کشورها می‌توانند بازار مناسبی برای کالاهای هندی را فراهم نمایند. همچنین این سازمان می‌تواند میدانی گفتگویی را برای هند فراهم آورد تا به حل مناقشات و اختلاف نظرهایش با پاکستان و یا چین بپردازد.

کلید واژه‌ها

دیپلماسی نوین، هند، چین، پاکستان، سازمان همکاری شانگهای.

Javad.ghahremani2@gmail.com

* دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

** دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

برای درک سیاست هند در قبال سازمان همکاری شانگهای ما در ابتدا سیاست خارجی نوین هند را مورد بررسی قرار می‌دهیم چراکه به زعم ما سیاست هند در قبال این سازمان تا حد زیادی تابع سیاست خارجی نوین این کشور بوده است. هند در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای درآمده است. سیاستمداران هند بعد از آغاز دهه ۱۹۹۰ و با فروپاشی اتحاد شوروی با اتخاذ سیاستهای عملگرایانه برای تأمین منافع ملی این کشور اقدام کرده‌اند. هند از این زمان به دنبال همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان بویژه چین و پاکستان که از دیربام با یکدیگر اختلافاتی داشته‌اند و همچنین گسترش روابط با اکثریت مناطق دنیا و قدرتهای عمده دنیا بوده است. در واقع هند تقریباً سیاست حاصل جمع صفری را در محاسبات سیاست خارجی خویش به کنار نهاده و با کار بر مبنای حاصل جمع مثبت به دنبال همکاری با اکثر کشورهای جهان بوده است. هند نیز به دلیل تغییر سیاستهای اقتصادی و احساس نیاز به تغییر و به خاطر عدم تناسب این سیاست با دوره پس از جنگ سرد و فرایند جهانی شدن، شروع به تجدیدنظر در ساختارها و آزاد سازی اقتصادی هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی کرد. متفکران استراتژیک هند استدلال کرده‌اند که سیاست عدم تعهد نامربوط بوده و بر مبنای منافع ملی این کشور نبوده است. از این رهگذر و با اتخاذ چنین سیاستهایی هند می‌تواند به امنیت و منافع ملی خویش را تأمین و جایگاه خود در میان دیگر کشورها را ارتقا بخشد. از این زمان یکی از مناطق مهم در سیاست خارجی هند، آسیای مرکزی بوده است. هند به دلیل رشد اقتصادی‌اش به منابع انرژی همچون نفت و گاز نیازمند بوده است. هند که تاکنون در تأمین منابع انرژی خویش به شدت به منطقه خاورمیانه وابسته بوده است. اما از این زمان به خاطر آشفتگی موجود در منطقه خاورمیانه و متنوع سازی منابع تأمین انرژی خویش به دنبال جایگزین بوده است. آسیای مرکزی به دلیل دارا بودن منابع عظیم انرژی می‌تواند جایگزین مناسبی برای هند باشد. البته هند صرفاً به خاطر منابع انرژی روابطش را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش نداده است. آسیای مرکزی به دلایل امنیت ملی نیز برای این کشور دارای اهمیت است. دهلی نو این منطقه را به عنوان منبع افراط گرایی مذهبی می‌داند و دلمشغول کنترل ظهور گروههای رادیکال اسلامی می‌باشد که ممکن است تهدیدی تروریستی را برای این کشور بوجود آورند. در این وضعیت چارچوب چندجانبه برای برآوردن این احتیاجات هند در منطقه به بهترین نحو می‌تواند کمک نماید. هند فارغ از محدودیت‌های ساختاری دوره جنگ

سرد تلاش می‌کند تا اتحادهای اقتصادی و سیاسی استراتژیک دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی را بنا سازد. سازمان همکاری شانگهای به عنوان یکی از نهادهای حاضر در منطقه می‌تواند به بهترین نحو با عضویت هند برای تأمین منافع ملی این کشور تعیین کننده باشد. بنابراین فرض ما اینست که تمایل هند به سمت سازمان همکاری شانگهای ناشی از رویکردهای نوین در سیاست خارجی این کشور بوده است. گسترش روابط، عملگرایی و تأمین منافع ملی، این کشور را به سوی اعلام آمادگی جهت عضویت کامل در این سازمان رهنمود کرده است. اگرچه در این سازمان هند همواره با چالشهایی روبرو خواهد بود. بر این اساس ما در بخش اول نوشته حاضر به سیاست خارجی نوین هند می‌پردازیم. سپس به سیاست‌های این کشور در قبال آسیای مرکزی می‌پردازیم. بخش بعد سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه هند را با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای به بحث خواهیم کشاند در این بخش منافع ناشی از همکاری با کشورهای عضو سازمان را بیان خواهیم کرد. بعد از این چالشها و نگرانی‌های هند در ارتباط با این سازمان را روشن خواهیم ساخت.

سیاست خارجی نوین هند

سران هند هرگز از دکترین سیاست خارجی سخنی به میان نیاوردند؛ با وجود این، برای ارتقای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی هند و افزایش قدرت آن به شدت تلاش کرده‌اند. هند اقدامات هماهنگی را به منظور شکل‌دهی به محیط فوری امنیتی خود انجام داده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جستجوی راه‌حل همزیستی مسالمت‌آمیز با چین و پاکستان (به عنوان دو رقیب منطقه‌ای) و توجه ویژه به "خارج نزدیک" خود که قسمت‌هایی از آفریقا، خلیج فارس، جنوب شرق و مرکز آسیا و نیز اقیانوس هند را در برمی‌گیرد، اشاره کرد. در عین حال این کشور روابط خود با قدرت‌های بزرگ موجود به ویژه با ایالات متحده را گسترش داده است. از دهه ۱۹۹۰، هند با درک این موضوع که تداوم سیاست‌های ایدئولوژیکی، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد کشور و در نهایت جایگاه بین‌المللی آن وارد کرده است، به سمت اتخاذ رویکردهای عملگراییانه روی آورده است. هند پس از استقلال، همواره سودای برتری را در سر می‌پروراند و این آرمان را از طریق "منشور جهان سوم" و سیاست "ضد امپریالیستی" پیگیری می‌کرد. اما نتایج حاصله، نه تنها این انتظارات را برآورده نساخت؛ بلکه هند را از سایر رقبای منطقه‌ای خود عقب‌تر نگاه داشت. در واقع، طی این مدت اساساً هیچ ائتلاف واقعی جهان

سومی وجود نداشت که هند به رهبری آن نائل آید. لذا از دهه ۱۹۹۰ هند، سیاست‌های رادیکال دهه ۱۹۷۰ خود را کنار گذارد و به سمت سیاست‌های پراگماتیستی و همکاری و همگرایی با بازارهای بین‌المللی پیش رفت. "اولویت‌های حکومت هند رشد و توسعه اقتصادی، تقویت بخش‌های ضعیف‌تر جامعه، افزایش سرمایه‌گذاری در زیر بناهای فیزیکی واجتماعی، تقویت زیر بناهای تکنولوژیک و علمی، تأمین غذا، سلامت، انرژی، دفاع از مرزها، حفظت از محیط زیست و ... را شامل می‌شود. هدف اصلی هند در سیاست خارجی‌اش به وجود آوردن محیط منطقه‌ای و جهانی صلح‌آمیز و آرام می‌باشد که می‌تواند هند را در دستیابی به اهداف ملی توسعه کامل اقتصادی - اجتماعی‌اش کمک کند. در این راستا هند سعی در برقراری روابط با اکثر کشورهای دنیا داشته است" (Krishna, 2007). هند از آغاز دهه ۱۹۹۰ تغییراتی را در سیاست خارجی خویش صورت داد که نموده‌های آن را می‌توان در تغییر از تأکید بر سوسیالیسم به سرمایه‌داری و همراهی با فرایندهای جهانی شدن، ترک سیاست عدم تعهد و اتخاذ یک دیدگاه عمل‌گرا و واقع‌گرایانه در سیاست خارجی‌اش مشاهده کرد (Hathaway, 2003). فاکتورهای تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی هند شامل پیگیری استقلال استراتژیک، ایفای نقش در شکل‌دهی به نظام بین‌الملل، دستیابی به تکنولوژی‌های نوین و ایفای نقش قاره‌ای مناسب می‌باشد (Sahni, 2007).

روابط این کشور با چین نیز بسیار پیچیده است. در حال حاضر چین بزرگترین شریک تجاری هند می‌باشد. هر دو کشور هند و چین منافع را در برخی حوزه‌ها دارند. برخی تحلیلگران هندی معتقدند که چین در برخی زمینه‌ها از جمله بوجود آوردن یک پاکستان پر-رونق، باثبات و دارای امنیت که پایگاه القاعده و وابستگانش نباشد اشتراک نظر دارند (Mohan, 2011). هر دو کشور اهدافی را در پاکستان دارند که شامل جلوگیری از گسترش و نفوذ افراط‌گرایی، تقویت توسعه اقتصادی در افغانستان و پاکستان، ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی در پاکستان و امنیت در دارایی‌های هسته‌ای پاکستان می‌باشد (V. pant, 2012). البته مسائل زیادی بین هند و چین وجود دارند که باید از طریق گفتگو حل شوند (Krishna, 2007).

هند سعی کرده که با ایالات متحده نیز ارتباطاتش را افزایش داده و از این طریق نقش خود را در سطح جهانی نیز ارتقاء بخشد. به گونه‌ای که بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، در استراتژی انتخاباتی خویش اعلام کرد که خواهان تغییر در جهت گیری آمریکا در آسیا می‌باشد. او می-

خواست نقش ژاپن را به عنوان متحد اصلی در آسیا تقویت و "همکاری استراتژیک" کلینتون با چین را رها سازد. دولت بوش، چین را به عنوان یک تهدید در حال ظهور درک کرد و سعی کرد تا ایده رقیب استراتژیک (Strategic Competitor) را جایگزین ایده همکار استراتژیک کند (Rajagopalan Strategic Partner, 2001).

پایان جنگ سرد و همچنین تاثیرات جهانی شدن باعث شد تا هند به باز تعریف نقش خود هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی بپردازد. از زمان آزادسازی اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ توسط این کشور که منجر به رشد بیش از هفت درصدی اقتصاد این کشور شد، حضور هند هم در منطقه آسیای جنوبی و هم در سطح جهان افزایش یافت. هند به عنوان کشوری که قدرت آن بین کشورهای جنوب آسیا تصدیق شده است، در تلاش برای ایفای نقش در سطح جهانی می‌باشد. این ایفای نقش توسط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی مورد پذیرش واقع شده است. آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸ و رشد اقتصادی با ثبات این کشور نه تنها تصور رهبران این کشور بلکه تصورات دیگران را نسبت به هند تغییر داد. به لحاظ اقتصادی هند هنوز در حال مدیریت گذار از یک کشور در حال توسعه به سمت یک کشور توسعه یافته می‌باشد. در سالهای اخیر تغییرات زیادی در تصورات بین‌المللی در خصوص اقتصاد هند صورت گرفته است. به لحاظ سیاسی هند خود را یک قدرت هسته‌ای مسئول می‌داند. همچنین سابقه طولانی دموکراسی و جنگ داخلی این کشور علیه تروریسم، هم‌نوایی و همکاری زیادی را از سوی اتحادیه اروپایی و ایالات متحده با این کشور را موجب شده است (Salma bava, 2007). در میان همسایگانش، هند متعهد به روابط نزدیک و گسترده با آنها می‌باشد. هدف اصلی سیاست هند در میان همسایگانش مشارکت در به‌وجود آوردن آسیای جنوبی پر رونق و آرام می‌باشد که از طریق یکپارچگی و ارتباط اقتصادی بیشتر و همکاری در سطح منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای صورت می‌گیرد. هند همچنین با کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN) نیز موافقت نامه تجارت آزاد امضا کرده است که مرحله‌ای مهم در سیاست نگاه به شرق هند می‌باشد (Krishna, 2007). این امر شاید ناشی از افزایش منطقه گرایی در منطقه جنوب آسیا نیز باشد. از اواخر دهه ۱۹۹۰ منطقه گرایی در جنوب آسیا به دلایل متفاوتی از جمله دستیابی به بازار آزاد، جلوگیری از بحرانهای مالی، نیاز به سازمانی برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، ایجاد استانداردها و همچنین در پاسخ به ازدیاد موافقت نامه‌های تجاری منطقه-

ای در اروپا و نیمکره غربی می‌باشد. هند نیز به دلیل تغییر سیاست‌های اقتصادی و احساس نیاز به تغییر در سیاست‌هایی که در دوران جنگ سرد دنبال می‌کرد، یعنی سیاست نگاه به داخل که بعد از استقلال این کشور دنبال می‌شد به خاطر عدم تناسب این سیاست با دوره پس از جنگ سرد و فرایند جهانی شدن، شروع به تجدیدنظر در ساختارها و آزاد سازی اقتصادی هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی کرد (Ahand, 2009). هند با اکثر کشورهای منطقه روابط تجاری برقرار کرده است. انگیزه‌های این معاملات هم مسائل اقتصادی و هم مسائل استراتژیک بوده است. تجلی این امر را می‌توان در روابط هند و آ.سه. آن (ASEAN) مشاهده کرد. همکاری آنها با یکدیگر هم در عرصه‌ی اقتصادی و هم در زمینه‌ی صلح و امنیت مهم است. در خصوص صلح و امنیت باید این مسئله را مد نظر قرار داد که بعد از حادثه یازده سپتامبر تروریسم به عنوان تهدیدی برای هر دو طرف مطرح شد. به لحاظ اقتصادی آ.سه. آن از رشد اقتصادی هند و همچنین بازار گسترده آن آگاه است (Anand, 2009). باید توجه کرد که هند سعی در کاهش اختلافات خود با اکثر کشورها کرده است. نگرش هند به سازمان همکاری شانگهای نیز از این منظر پیروی می‌کند.

از بعد از آغاز دهه ۱۹۹۰ سیاست خارجی هند از عدم اتحاد به سمت اتحاد، و از هدف ایجاد جهان چندجانبه به سمت تأیید مفهوم امریکایی جهان تک قطبی تغییر جهت داده است. محیط استراتژیک نیز با موافقت نامه‌های جدید میان هند و ایالات متحده تغییر کرده است. البته تغییرات در ادراکات سیاست خارجی و روابط خارجی با متحدان سنتی نیز مشهود بوده است. اجماع سنتی بر عدم تعهد همگام با تغییرات در تفکر استراتژیک در این کشور تغییر کرده است. این تغییرات در سیاست خارجی به خاطر خواسته‌های این کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ و همگام با اصلاحات اقتصادی از دهه ۱۹۹۰ بوده است. متفکران استراتژیک استدلال کرده‌اند که سیاست عدم تعهد نامربوط بوده و بر مبنای منافع ملی این کشور نبوده است (Chenoy, 2007).

روابط هند با آسیای مرکزی

در دهه‌های اخیر هند در حال تقویت روابطش با کشورهای آسیای مرکزی بواسطه سیاست اتصال آسیای مرکزی^۱ بوده است. در نتیجه هند در سطحی دیپلماتیک و رسمی با کشورهای

1- Connect Central Asia policy

آسیای مرکزی ارتباط برقرار کرده است. همکاری نظامی هند با این کشورها نیز به تدریج گسترش یافته است. همکاری این کشور در بعد تجاری و تکنولوژی دفاعی با تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان رو به رشد بوده است. در همین زمان هند سیاست‌هایی را به منظور همکاری با برخی کشورهای آسیای مرکزی در حوزه‌هایی چون ظرفیت سازی، توسعه منابع انسانی، تکنولوژی اطلاعات، حفظ سلامت، دارویی و ... در پیش گرفته است در طول سالهای اخیر هند احتمالاً یک سرمایه گذار عمده در بخشهای کلیدی کشورهای آسیای مرکزی بوده است (Kumar, 2013).

هندوستان به عنوان یکی از مهمترین قدرت‌های نوپدید در عرصه روابط بین الملل، در تلاش است تا با یافتن جای پای برای خود در حوزه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی در سطوح جهانی و منطقه‌ای، نه تنها به کسب، حفظ و افزایش قدرت و منافع ملی خود بپردازد، بلکه از این رهگذر می‌تواند به تأمین امنیت ملی و افزایش جایگاه خود در میان دیگر کشورها نیز کمک نماید. در منطقه آسیای مرکزی، هندوستان همواره به دنبال دستیابی به سه هدف بوده است. فراهم آوردن زمینه‌ای برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای این منطقه، به ویژه سرمایه‌گذاری در بخش استخراج و انتقال انرژی، یکی از این اهداف به شمار می‌آید. هدف دیگر، مبارزه با تندروی‌های مذهبی و کمک به کشورهای منطقه و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای جلوگیری از شکل‌گیری بنیادگرایی مذهبی و گسترش آن از آسیای مرکزی به جنوب آسیا است. حضور صدها میلیون مسلمان هندی در خاک این کشور که پیرو گروه‌ها و فرقه‌های گوناگونی هستند، دغدغه همکاری میان برخی از این گروه‌ها با گروه‌های مذهبی تندرو در منطقه آسیای مرکزی و بر هم خوردن وضعیت همزیستی کنونی میان مردمان این کشور را سبب شده است. دیگر آنکه، هندوستان به دنبال آن است تا در برابر دشمن دیرین و رقیب دیرپای خود - یعنی پاکستان و چین - جایگاهی درخور برای خویش در این منطقه فراهم آورد. علاوه بر این افزایش حضور اقتصادی چین و حضور مذهبی و اجتماعی نهادهای پاکستانی در کشورهای آسیای مرکزی در سال‌های گذشته سبب شده است که سیاستمداران هندی بر آن شوند که با همراهی با قدرت‌های غربی، زمینه افزایش حضور اقتصادی و سیاسی خود در این منطقه را فراهم آورند (گفتگوی ماندانا تیشه یار با ایراس، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱).

تأمین منابع انرژی مطمئن برای حفظ حرکت چرخهای اقتصادی نقش تعیین کننده دارد. هند در حال حاضر سه چهارم از نیازهای مصرفی انرژی خویش را از خارج به ویژه از منطقه

ناامن خاورمیانه تأمین می‌کند. بنابراین تأمین انرژی به یکی از عناصر محوری سیاست خارجی و امنیتی هند تبدیل شده است. با توجه به وابستگی زیاد هند به منابع انرژی خارجی، این کشور به دنبال کاهش وابستگی‌اش به خاورمیانه و ایجاد منابع جایگزین انرژی بوده است. آسیای مرکزی منابع عظیم هیدروکربن هم در مناطق ساحلی و هم در مناطق دور از ساحلی دریای کاسپین را دارا می‌باشد. این منطقه دارای حدود ۴ درصد از ذخایر عظیم گاز طبیعی و تقریباً ۳ درصد از ذخایر نفتی جهان می‌باشد. اکثر این منابع در قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان قرار دارد اگرچه تاجیکستان و قرقیزستان پتانسیل تولید انرژی هیدروالکتریک را دارند. به علاوه آسیای مرکزی ذخایر سنگ معدن اورانیوم به علاوه پتانسیل غنی سازی آن را دارد. تجلی تلاش دولت هند برای تأمین منابع انرژی را می‌توان در مذاکرات حکومت هند راجع به خط لوله ۱۶۸۰ کیلومتری ترکمنستان-افغانستان-پاکستان- هند که ساخت آن حدود ۷,۶ میلیارد دلار {آمریکا} تخمین زده شده است را می‌توان مشاهده کرد. اگرچه پیاده سازی این پروژه هنوز در مراحل اولیه قرار دارد. ثانیاً آسیای مرکزی صرفاً در بعد انرژی برای هند دارای اهمیت نمی‌باشد بلکه به دلایل امنیت ملی نیز برای این کشور دارای اهمیت است. دهلی نو این منطقه را به عنوان منبع افراط گرایی مذهبی می‌داند و دلمشغول کنترل ظهور گروه‌های رادیکال اسلامی می‌باشد که ممکن است تهدیدی تروریستی را برای این کشور بوجود آورند. بعد از فروپاشی شوروی آسیای مرکزی منطقه مناسبی برای چنین گروه‌هایی بوده است. با توجه به ماهیت فراملی این گروه‌ها از جمله ارتباط آنها با طالبان و دیگر گروه‌های نظامی در کشورهای همسایه، این امر نگرانی‌های زیادی را در دهلی نو به همراه خواهد داشت. ترس از اینست که ظهور گروه‌های جهادی کنترل نمی‌شوند و در نتیجه تهدیدی جدی برای امنیت هند به ویژه در کشمیر بوجود خواهند آورد. این نگرانی به خاطر وضعیت افغانستان نیز تشدید می‌شود. بعد از خروج ناتو از افغانستان احتمالاً ناامنی فزاینده گریبانگیر افغانستان خواهد شد که ممکن است به منطقه آسیای مرکزی سرریز و در نتیجه این منطقه را بی ثبات نماید. به علاوه هند میداند احتمال بازگشت مجدد طالبان به قدرت در افغانستان بعد از خروج ناتو منافع هند را به خطر خواهد انداخت. این نگرانی‌های امنیتی با افزایش داد و ستد دارو در آسیای مرکزی تشدید خواهد شد.

هند در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر سازمان همکاری شانگهای درآمد و خواهان عضویت کامل در آن است. سازمان همکاری شانگهای یکی از نهادهای چندجانبه مهم در ارتباط با

آسیای مرکزی است. و موضوع مبارزه با تروریسم در اجلاس‌های این سازمان مورد تاکید واقع شده است. اما در خصوص توانایی هند برای استفاده از سکوی سازمان همکاری شانگهای برای پیشبرد منافع امنیتی با توجه نفوذ مسلط چین در این سازمان و حساسیت چین نسبت به پاکستان (که عضو ناظر سازمان نیز می‌باشد) تردید وجود دارد.

ثالثاً آسیای مرکزی بازار دست نخورده‌ای برای کالاهای مصرفی هند بویژه از آنجا که مصرف کنندگان در منطقه قدرت انتخاب کمتری از میان کالاهای با قیمت بالا که از غرب وارد می‌شود و کالاهای ارزانتر کم کیفیت‌تر که از چین وارد می‌شود دارند. چای هند و صنایع دارویی این کشور در پای بازار آسیای مرکزی بدست آورده‌اند. همچنین در بخشهای IT، بانکداری، ساخت و ساز و تولید غذا هند پتانسیل سرمایه گذاری دارد. همچنین هند می‌تواند در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط در این منطقه فعال باشد (Campbell, October 2013).

هند و چندجانبه گرایی

در جهان یکپارچه شده کنونی چندجانبه گرایی در ارتباط با نظم جدید جهانی به یک امر حیاتی تبدیل شده است. آنطور که جان راگی می‌گوید چندجانبه گرایی یک شکل نهادی است که روابط میان سه دولت یا تعداد بیشتری را براساس اصول عمومی رفتار هماهنگ می‌سازد. آشکارا در نظم جهانی کنونی به چندجانبه گرایی به عنوان مشروع‌ترین و در نتیجه موثرترین شیوه برخورد با موضوعات فراملی نگاه می‌شود. در این زمینه یکی از گرایش‌ها قابل توجه در رشد چندجانبه گرایی ظهور سازمانهای مختلف استراتژیک و منطقه‌ای مثل اتحادیه اروپایی، آسه آن، اپک، سازمان دولتهای امریکایی^۱، اجتماع آسیای جنوبی برای همکاری منطقه‌ای^۲، سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه افریقایی^۳ و ... بوده است. دلیل اصلی ظهور این سازمانهای منطقه‌ای اینست که کشورها فهمیده‌اند که سازمانهای منطقه‌ای راه تغییر شکل امنیت منطقه‌ای پیچیده به اجتماع امنیتی با هدف کاهش مسائل امنیتی از طریق ایجاد نهادهای دسته جمعی بر پایه ارزشها و اهداف مشترک می‌باشد. به علاوه سازمانهای منطقه‌ای راه دستیابی به منافع استراتژیک در منطقه و در سطح جهانی می‌باشند. در این زمینه سازمان همکاری شانگهای متفاوت نیست (Kumar, 2013).

1- Organization of American States(OAS)

2- South Asian Association for Regional Cooperation(SAARC)

3- African Union(AU)

اگرچه این سازمان به عنوان یک سازمان منطقه‌ای آغاز به کار کرد در طول دهه اخیر این سازمان در سطح بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده است و به عنوان یک سازمان بین‌المللی با نمای ژئوپلیتیک جدید در اوراسیا و فراسوی آن ظهور کرده است. دلایل این امر عبارتند از (۱) این سازمان با عضوگیری ناظر و شرکای گفتگو^۱ همکاری‌هایش را با کشورهای فراسوی آسیای مرکزی بسط داده است. (۲) سازمان شانگهای همکاری‌هایش با دیگر سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی را با امضا یادداشت تفاهم با آسه آن و مشترک المنافع دول مستقل^۲ در سال ۲۰۰۵، سازمان همکاری اسلامی^۳ که به عنوان مهمان در اجلاس‌های سازمان شرکت می‌کند، جامعه اقتصادی اوراسیا^۴ در سال ۲۰۰۶، با سازمان معاهده امنیت دسته جمعی که روسیه در آن دست بالا را دارد در سال ۲۰۰۷ افزایش داده است. همچنین این سازمان عضویت ناظر را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ بدست آورده و با کمیسیون اقتصادی و اجتماعی اتحادیه اروپا برای آسیا و پاسفیک^۵ و برنامه توسعه ملل متحد^۶ در تماس می‌باشد. در سال ۲۰۱۰ سازمان همکاری شانگهای اعلامیه مشترک همکاری میان سازمان ملل و دبیرخانه‌های سازمان همکاری شانگهای امضا کرده است. در ژوئن ۲۰۱۱ این سازمان با هدف مقابله با تجارت روزافزون منطقه‌ای دارو با اداره سازمان ملل درباره داروها و جرائم یادداشت تفاهم امضا کرده است. (۳) اگرچه در ابتدا سازمان همکاری شانگهای سازمانی ضد امریکایی و ضد غربی تلقی می‌شد در طول سالهای گذشته از تولد آن هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپایی همکاری‌هایشان را به منظور ثبات سازی در آسیای مرکزی گسترش داده‌اند. در نتیجه سازمان همکاری شانگهای ارتباطاتش را با اتحادیه اروپایی و سازمان امنیت و همکاری اروپا گسترش داده است. برای مثال به طور منظم در دیدارهای اتحادیه اروپایی و سازمان امنیت و همکاری اروپا در خصوص موضوعات امنیتی آسیای مرکزی شرکت می‌کند. (۴) از آغاز، افغانستان همیشه توجه ویژه‌ای در دیدارهای متوالی سران سازمان همکاری شانگهای به خود جلب کرده است که برای منطقه آسیای مرکزی الزامات گسترده‌ای دارد. در دوره قبل از ۱۱ سپتامبر این سازمان دلمشغول ثبات افغانستان از طریق سازمان ملل و نه نیروهای خارجی مثل ایالات متحده و

1- Dialogue partners

2- Commonwealth of independent states(CIS)

3- Organization of Islamic Cooperation(OIS)

4- Eurasian Economic Community(EEC)

5- UN Economic and Social Commission for Asia and Pacific(ESCAP)

6- United Nations Development Programme (UNDP)

اتحادیه اروپایی بوده است و حتی از مدل ۲+۶ (چین، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و پاکستان و دو کشور دیگر یعنی روسیه و ایالات متحده) در حل موضوع افغانستان حمایت کرده است. این موضع بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تغییر کرد زیرا دولت‌های آسیای مرکزی از جنگ اتحاد ایالات متحده علیه ترورحمایت و به این اتحاد اجازه تأسیس پایگاه‌های نظامی را دادند و حمایت لجستیک خود برای مبارزه با تروریسم در افغانستان را فراهم نمودند. به علاوه در اجلاس سران سازمان در ژوئن ۲۰۰۴ تصمیم گرفته شد تا گروه تماس سازمان همکاری شانگهای-افغانستان^۱ را تأسیس نمایند و در سال ۲۰۰۷ رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین یک گام فزاینده نهاد و تأکید کرد که یک جلسه ویژه سران سازمان برای طرح ریزی استراتژی بازسازی افغانستان شکل خواهد گرفت. بنابراین سازمان با اعطا اهمیت خاص به موضوع افغانستان، قادر به تحصیل شناسایی بین المللی شده است و قدرتهای بزرگ نقش حیاتی این سازمان در ثبات سازی در افغانستان را تأیید کرده‌اند. (۵) در نهایت این سازمان به خاطر حضور قدرتهای بزرگ مثل روسیه، چین و هند در آن که می‌تواند همکاری نزدیکتر فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را فراهم آورد شناسایی بین المللی کسب کرده است. از اینرو سازمان همکاری شانگهای از یک سازمان منطقه‌ای به یک سازمان بین المللی تبدیل شده است (Kumar, 2013).

هند فارغ از محدودیت‌های ساختاری دوره جنگ سرد تلاش می‌کند تا اتحادهای اقتصادی و سیاسی استراتژیک در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی را بنا سازد. سیاست خارجی هند که در دوران جنگ سرد بوسیله عدم تعهد مشخص می‌شد. امروزه توسط عدم تعهد جدید شناخته می‌شود که تلاش می‌کند تا از این طریق احتیاجات امنیتی و اقتصادی خویش را برآورده سازد. در جنوب آسیا این کشور با همسایگانش هم به صورت دوجانبه و هم در چارچوب منطقه‌ای (سارک) همکاری می‌کند تا به اهداف سیاست خارجی دست یابد. هند به دنبال عضویت (حتی به صورت ناظر) در سازمانهای منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا و آسیای مرکزی بوده است که موقعیت هند در منطقه را تثبیت و اتحادسازی را نیز تسهیل می‌نماید. این تلاش‌های هند هم تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و هم ملاحظات اقتصادی بوده است (Salma bava, 2007).

1- SCO-Afghanistan contact group(SCO-ACG)

این امر در خصوص سازمان همکاری شانگهای نیز صادق بوده است. هند تمایل خود برای ایفای نقش معنادارتر و سازنده‌تر در سازمان همکاری شانگهای اعلام کرده است. تمرکز حال هند بر ایجاد همکاری جدی‌تر با این منطقه نشان از منفعت فزاینده هند در منطقه و نقشی که خواهان ایفای آن است می‌باشد. هند تجربه ممتازی در حوزه اقتصاد بویژه بانکداری، مدیریت مالی، IT و ... دارد و مایل است تجربه‌اش را در اختیار اعضای سازمان همکاری شانگهای قرار دهد. هند به دنبال پیدا کردن راه حل پایدار برای پل زدن میان آسیای مرکزی و جنوبی بوده است. هند خواهان ایفای نقشی سازنده در سازمان همکاری شانگهای است. سازمان همکاری شانگهای میدانی است که فرصت بی نظیری را فراهم می‌آورد که از طریق آن هند می‌تواند در حوزه‌های جدید همکاری اقتصادی، امنیتی و توسعه‌ای به فعالیت بپردازد. هند سازمان همکاری شانگهای را به عنوان نهادی آسیایی و نه بلوکی نظامی که به دنبال مقابله با غرب است می‌بیند. این کشور سازمان را نهادی می‌داند که همه دول آسیای مرکزی و همسایگانش را وارد سکویی جدید می‌کند و هند می‌تواند با همه دول آسیای مرکزی در همین زمان تعامل داشته باشد (Singh Roy, 2014:61-62)

با توجه به نقش فزاینده و اهمیت سازمان همکاری شانگهای در منطقه اوراسیا و فراسوی آن، هند در دراز مدت از پیوستن به این سازمان منتفع خواهد شد. اولاً عضویت کامل، میدان دید (visibility) بزرگ‌تری برای هند در امور منطقه اوراسیا را فراهم می‌آورد. دوماً هند را قادر می‌سازد تا نیروهای گریز از مرکزی که از افراط گرایی مذهبی و تروریسم در منطقه سرچشمه گرفته و امنیت و توسعه هند را تهدید می‌نمایند را خنثی سازد. به علاوه این سازمان به هند کمک می‌کند تا به شیوه‌ای موثرتر تاثیر منفی افغانستان طالبان زده^۱ در سناریوی بعد از ۲۰۱۴ را مدیریت نماید. سوماً این سازمان میدانی را برای هند فراهم می‌آورد که می‌تواند به طور اساسی هم با چین و هم پاکستان در سطح منطقه‌ای همکاری داشته باشد و منافع امنیتی‌اش در غرب آسیا را حفظ می‌نماید. این سازمان همچنین به هند کمک می‌کند تا هرگونه حرکت منفی توسط پاکستان در منطقه را بی اثر نماید. از همه مهمتر از طریق سازمان شانگهای همکاری در سه حوزه مهم انرژی، تجارت سازی و ارتباطات حمل و نقل و تهدیدات سنتی و غیرسنتی تسهیل می‌شود چراکه هند تلاش می‌کند تا امنیت انرژی خویش را در منطقه سرشار از انرژی آسیای مرکزی و ارتباطات تجاری و حمل و نقل خویش را از طریق

1- Talibanised Afghanistan

مکانیسم‌های دوجانبه و منطقه‌ای افزایش و با تروریسم مبارزه نماید) (Singh Roy, 2014: 66).

فرصت‌های ناشی از عضویت در سازمان همکاری شانگهای

رابطه جدی میان هند و سازمان همکاری شانگهای فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری عمده‌ای را برای هند در ارتباط با دول عضو این سازمان فراهم می‌کند چراکه سازمان شانگهای به تدریج دستورکار بلندپروازانه ادغام اقتصادی از جمله ایجاد منطقه آزاد تجاری و تدارک قواعدی برای حرکت کالاها، خدمات و تکنولوژی‌ها در میان دول عضو سازمان همکاری شانگهای را تأیید نموده است:

- دو تولید کننده بزرگ انرژی خارج از اوپک یعنی روسیه و قزاقستان در سازمان همکاری شانگهای عضو هستند.

- شانگهای و هند منافع مشترکی در تخریب شبکه‌های تروریستی درون و اطراف افغانستان دارند چرا که سازمان شانگهای نیز افغانستان را چالش استراتژیک عمده تلقی می‌کنند. دولت افغانستان نیز خواهان همکاری نزدیکتر با سازمان همکاری شانگهای و هند بوده است. سازمان شانگهای نیز یک گروه کاری ویژه در خصوص افغانستان به راه انداخته است. این زمینه مشترک می‌تواند فرصت خوبی را هم برای سازمان همکاری شانگهای و هند فراهم می‌آورد تا رویکردهای مشترک را توسعه داده و دیدگاه‌هایشان را در خصوص حل مسائل مربوط به داد و ستد دارو و بازخیزش طالبان در افغانستان را تبادل نمایند.

- هند باید تأیید کند که همه دول آسیای مرکزی و همچنین روسیه و چین، سازمان شانگهای را ابزاری مهم و مثبت برای رشد طولانی مدت آنها و پیشبرد منافعشان در منطقه تلقی می‌نمایند. در نتیجه در طولانی مدت هند از طریق دیالوگ و همکاری بهتر با این سازمان قادر خواهد بود منافع خویش در منطقه را پیش برد (Das Kundu, 2009).

- منفعت استراتژیک هند در ارتباط با دول آسیای مرکزی عمدتاً ناشی از عوامل اقتصادی و انرژی است. در نتیجه همکاری با سازمان همکاری شانگهای به منظور گسترش تجارت و برآورده کردن احتیاجات انرژی خویش برای هند سودمند خواهد بود. در این زمینه هند در ارتباط با خط لوله گازی ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند تلاش خود را به کار خواهد بست و توافق نامه‌های انرژی مختلفی را با کشورهای آسیای مرکزی مثل قزاقستان امضا نموده است.

هند ۵ توافق نامه در زمینه‌های انرژی هسته‌ای، تحقیقات فضایی و هیدروکربن با قزاقستان به امضا رسانده است. با وجود این پیشرفت هند نیاز دارد تا همکاری انرژی خویش با کشورهای آسیای مرکزی به چند دلیل گسترش دهد. اولاً: هند ۷۰ درصد از نفت خویش را از خارج تأمین می‌کند و پیش بینی می‌شود تا ۲۰۲۰ این میزان به ۸۵ درصد افزایش یابد. دوما: تلاش‌های هند برای ایجاد خط لوله ایران-پاکستان- هند به دلایل مختلف با تأخیر مواجه شده است. سوماً: در حال حاضر هند به طور گسترده در بخش انرژی به خاورمیانه و اندونزی متکی است. بنابراین منافع هند ایجاب می‌نماید تا منابع تأمین انرژی‌اش را گسترش و امن نماید.

- ورود هند به هر سازمان و یا گروه‌بندی منطقه‌ای پتانسیل این کشور را فقط زمانی تحقق می‌بخشد که توسط اکثریت اعضا مورد پشتیبانی واقع شود. این امر در ارتباط با سازمان همکاری شانگهای نیز صدق می‌کند. در این خصوص عضویت کامل هند توسط روسیه و دول آسیای مرکزی مورد حمایت واقع می‌شود. برای مثال وزیر خارجه روسیه سرگی لاوروف در آوریل ۲۰۱۲ مشارکت فعالانه هند به عنوان عضو ناظر این سازمان در ابعادی همچون انرژی، ساختار ضدتروریستی و دیگر پروژه‌ها در حمل و نقل، تکنولوژی‌های جدید، کشاورزی، علم و آموزش را تصدیق و همچنین اعلام کرد که هیچگونه ممانعتی برای همکاری بیشتر هند در سازمان به عنوان یک عضو کامل وجود ندارد. دلایل این پشتیبانی عبارتند از: اولاً هند ارتباط تاریخی مهمی با منطقه اوراسیا داشته است و این امر با روابط دوجانبه روبه رشد با روسیه و دول آسیای مرکزی شدت می‌یابد. دوما: ظهور هند به عنوان یک قدرت مهم در آسیا و توازن بخش بالقوه نسبت به چین در سازمان عامل مهم هدایت کننده روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در حمایت از کاندیداتوری هند برای عضویت کامل در این سازمان بوده است. سوماً، هند برای روسیه شریکی استراتژیک در آسیا خواهد بود و متحدی طبیعی در سازمان همکاری شانگهای برای روسیه خواهد بود. چهارماً: اعضای سازمان همکاری شانگهای تصدیق می‌نمایند که همکاری یا دول ناظر در حوزه‌هایی مثل مقابله با تروریسم، حل مشکلات زیست محیطی، تضمین امنیت غذایی، امنیت انرژی و همکاری اقتصادی از جمله در زمینه بانکداری فقط با اعطای عضویت کامل به اعضای ناظر امکانپذیر خواهد بود. پنجماً، روسیه، ایران، قزاقستان و ازبکستان منابع عظیم انرژی را دارا هستند که اگر به طور مشترک بهره برداری شود و به طور عقلانی مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند به طور محسوس امنیت انرژی همه کشورهای این

منطقه را بهتر نماید. به علاوه یک سازمان شانگهای گسترده جنوب، جنوب غرب و مرکز آسیا را منتفع خواهد ساخت.

- هند همیشه مخالف مداخله یکجانبه در امور داخلی کشورهای دیگر بجز از طریق سازمان ملل بوده است. در این زمینه برخلاف ناتو سازمان همکاری شانگهای ثبات منطقه‌ای را بهبود می‌بخشد با این حال سابقه مشخصی در عدم مداخله چه از طریق حمایت نظامی چه حمایت عملیاتی در هر بحران و یا منازعه امنیتی در منطقه دارد و استقلال مناطق جدایی طلب اوستیای جنوبی و ابخازیای گرجستان را مورد شناسایی قرار داد.

- عضویت کامل در این سازمان برای هند میدانی را فراهم می‌کند که از طریق آن می‌تواند به طور سازنده هم با چین و هم پاکستان در سطح منطقه‌ای همکاری نماید و منافع امنیتی خود را در منطقه پرآشوب جنوب و غرب آسیا تأمین نماید. برای مثال اجلاس نهم سازمان همکاری شانگهای در یکاترینگبرگ^۱ روسیه فرصتی برای رئیس‌جمهور پاکستان آسف علی زرداری^۲ و نخست‌وزیر هند مانموهان سینگ^۳ فراهم کرد تا در خصوص موضوعات مهم میان دو کشور بحث نمایند. بنابراین این امر شناسی را برای رهبران دو کشور ایجاد می‌نماید تا از مکانیسم جانبی برای برای بحثهای دوجانبه استفاده نمایند. همچنین به هر دو کشور فرصتی می‌دهد تا از این میدان برای بحث در خصوص موضوعات امنیتی در مکانیسمی چندجانبه استفاده نمایند. به علاوه کشورهای آسیای مرکزی نیز همچون هند قربانی تروریسم هستند و از اینرو مبارزه با تروریسم دیگر حوزه مهم همکاری میان هند و سازمان همکاری شانگهای می‌باشد. در نتیجه هند از طریق این سازمان می‌تواند در راستای خنثی کردن افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم که منافع امنیتی و توسعه‌ای هند را در منطقه تهدید می‌کند قدم بردارد.

- عضویت کامل هند را به روسیه و چین، دو کشور از اعضای شورای امنیت سازمان ملل نزدیک می‌نماید تا مسائل مشترک منطقه‌ای و جهانی را در دستور کار قرار دهند (Kumar, 2013).

- هدف اصلی سازمان همکاری شانگهای مقابله با تهدیدات و چالشهایی است که در منطقه وجود دارد می‌باشد. با توجه به اندازه و ماهیت این چالشها همکاری چندجانبه تنها را مقابله با این چالشهاست. در این زمینه سازمان همکاری شانگهای می‌تواند مکانیسم کارآمدی جهت

1- Yekaterinburg

2- Asif Ali Zardari

3- Manmohan Singh

مقابله با این خطرات از طریق تلاشهای دسته جمعی فراهم نماید. در مبارزه با تروریسم روسیه، چین و هند دلمشغولی زیادی دارند. چین می‌خواهد با فعالیتهای گروه‌های تروریستی ترکستان مقابله نماید. روسیه خواهان مقابله با فعالیتهای تروریستی چچنی‌ها می‌باشد. هند نیز به دنبال کنترل فعالیتهای گروه‌های افراطی فعال در منطقه جامو^۱ و کشمیر و در منطقه افغانستان- پاکستان است. دول آسیای مرکزی به دنبال محدود کردن فعالیتهای گروه‌های افراط‌گرای حاضر در منطقه می‌باشند. هند اگرچه به صورت دو جانبه تلاش کرده تا این موضوع را با کشورهای آسیای مرکزی و روسیه در دستور کار قرار دهد با این حال این کشور تمایل خود به تعمیق همکاری‌های مربوط به امنیت با سازمان همکاری شانگهای به طور کلی و ساختار ضدتروریستی منطقه‌ای به طور خاص اعلام نموده است. مقابله با این تدبیرات همواره مسئله مورد توجه هند و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بوده است (Singh Roy, 2014: 70).

چالش‌ها و نگرانی‌های هند

عضویت کامل هند در سازمان همکاری شانگهای همواره با مسائل و مشکلاتی مواجه بوده است. از یکسو بحث‌های زیادی در ارتباط با گسترش یا عدم گسترش سازمان وجود دارد. برخی تحلیلگران معتقدند که گسترش سازمان دستور کارهای سازمان را نیز تغییر و در نتیجه سازمان را از اهداف اولیه دور می‌کند به همین دلیل ایشان با بسط سازمان مخالف بوده‌اند. علاوه بر این دو عامل ما به تأثیر و نگرانی‌هایی که هند از چین و پاکستان دارد را بررسی خواهیم نمود.

عامل چین

در صورت عضویت کامل هند در این سازمان این کشور نقش دوم بعد از چین و روسیه ایفا خواهد کرد. به علاوه با توجه به تسلط چین در این سازمان توانایی هند برای ابراز خویش محدود خواهد بود. هند همچنین مجبور خواهد بود با استفاده از سازمان توسط چین برای افزایش نقش خود نه صرفاً در منطقه اوراسیا بلکه در جنوب آسیا مقابله نماید. به علاوه در عوض اعطای عضویت کامل به هند، چین نیز ممکن است عضویت کامل در سارک را دنبال

1- Jammu

نماید. در این شرایط هند مجبور خواهد بود الزامات و پیامدهای ورود چین به سارک را مورد توجه قرار دهد. به علاوه هند مجبور خواهد بود با محور چین - پاکستان در سازمان همکاری شانگهای بویژه با توجه به مکمل بودن منافع چین و پاکستان در جمهوری‌های آسیای مرکزی مقابله نماید. چین ممکن است از طریق فرایندی غیر مستقیم سعی نماید تا از عضویت کامل هند جلوگیری نماید چراکه چینی‌ها ورود هند به سازمان همکاری شانگهای را بسط نفوذ ایالات متحده در سازمان می‌دانند. به علاوه چین می‌خواهد تا انحصارش بر منابع انرژی آسیای مرکزی در آینده حفظ نماید. البته با وجود شک و تردید چین در خصوص عضویت کامل هند در سازمان، ورود این کشور در تقویت اردوگاه چندجانبه گرا مؤثر واقع خواهد شد (Singh Roy, 2014: 3-74).

عامل پاکستان

قبلاً چین و روسیه تمایل خود به عضویت پاکستان در سازمان مثل هند را اعلام نموده‌اند. سازمان همکاری شانگهای همانند هند برای پاکستان فرضی برای بسط روابط دفاعی، امنیتی و اقتصادی خویش نه صرفاً با چین بلکه با روسیه و کشورهای آسیای مرکزی فراهم می‌آورد. بنابراین هر دو کشور از این سازمان سود خواهند برد. اگرچه هر دو کشور از اعلام رسمی مخالفت خود با عضویت دیگری خودداری کرده‌اند هر دو نگران نقش دیگری در این سازمان هستند. عضویت کامل پاکستان در سازمان همکاری شانگهای نگرانی برای هند در بر خواهد داشت زیرا چین از پاکستان برای مقابله با هند استفاده خواهد کرد. به علاوه چین و پاکستان روابط برجسته‌ای با هم دارند و همچنین با توجه به حمایت شدید چین از پاکستان تهدید بزرگتری برای منافع هند نشان خواهد داد. چین عرضه کننده اول تجهیزات نظامی پاکستان بوده و این دو کشور شبه اتحادی در توسعه سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی نظامی دارند. حتی در دوره تحریمهای امریکا علیه پاکستان به خاطر مسائل هسته‌ای چین عرضه کننده عمده سلاح برای پاکستان بود و در همین زمان در آموزش شخصی، مانورهای نظامی مشترک تسهیم اطلاعات و تلاش‌های ضد تروریستی با پاکستان همکاری داشته است. بنابراین روابط دوستانه چین با پاکستان و همکاری پاکستان با سازمان شانگهای الزامات و پیامدهایی برای منافع استراتژیک هند در آسیای مرکزی و نقش این کشور در سازمان خواهد داشت. جدا از حمایت چین از پاکستان، این کشور از کمک‌های روسیه نیز برخوردار بوده است (Kumar, 2013).

نتیجه‌گیری

عضویت و همکاری با سازمان همکاری شانگهای در راستای سیاست خارجی دنبال شده از سوی هند بویژه بعد از دهه ۱۹۹۰ می‌باشد. سیاست عملگرایانه هندی‌ها برای تأمین منافع ملی آنها در مناطق اطراف این کشور را وادار به همکاری با کشورها و سازمانها و نهادهای منطقه‌ای می‌کند. این منطق ایجاب می‌نماید این کشور از سیاست حاصل جمع صفری دست بردارد. تجلی این سیاست هند را در مناطق دورتر نیز می‌توان مشاهده کرد. برای مثال همکاری و روابط همزمان این کشور با اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را می‌توان در این راستا تحلیل نمود. اما در مناطق نزدیکتر همچون آسیای جنوبی و آسیای مرکزی نیز پیگیری سیاست عملگرایانه و دنبال کردن منافع ملی این کشور موجبات نزدیکی و افزایش روابط و تلاش جهت حل مناقشات هند را فراهم آورده است. تجلی پیگیری این سیاست را می‌توان همکاری و تمایل این کشور به همکاری با سازمان همکاری شانگهای مشاهده نمود. با توجه به نقش فزاینده و اهمیت سازمان همکاری شانگهای در منطقه اوراسیا و فراسوی آن، هند در دراز مدت از پیوستن به این سازمان منتفع خواهد شد. منابع انرژی گسترده کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند به متنوع سازی منابع عرضه انرژی این کشور که عمدتاً از سوی خاورمیانه می‌باشد کمک نماید. مقابله با تروریسم که تهدید عمده برای هند تلقی می‌شود فقط از طریق ترتیبات چندجانبه می‌تواند تأمین شود. سازمان همکاری شانگهای می‌تواند مکانیسم کارآمدی جهت مقابله با این خطرات از طریق تلاشهای دسته جمعی فراهم نماید. در نتیجه همکاری با سازمان همکاری شانگهای به منظور گسترش تجارت و برآورده کردن احتیاجات انرژی خویش برای هند سودمند خواهد بود. البته این مکانیسم می‌تواند در کاهش و یا حل اختلافها و یا اختلاف نظرهای این کشور با کشورهایی همچون پاکستان و یا چین را فراهم آورد. به واقع این سازمان می‌تواند میدانی را برای گفتگوی این کشورها پیش نهد. در نتیجه به زعم ما علت نگرش مثبت هند به سازمان همکاری شانگهای پیگیری سیاست خارجی نوین این کشور می‌باشد. به واقع این امر از استلزامات این سیاست می‌باشد. از طریق همکاری با این سازمان منافع ملی هند به نحو بهتری تأمین خواهد شد. به واقع عضویت در یک نهاد چندجانبه آن هم با توجه به شرایط کنونی این منطقه بهترین شکل تأمین منافع و مقابله با خطراتی همچون تروریسم می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

گفتگوی ماندانا تیشه یار با ایراس تحت عنوان «هند و دغدغه حضور در آسیای مرکزی»، در سایت زیر موجود است:

<http://www.iras.ir/vdcfcd0.w6dj0agiiw.html>

ب) منابع انگلیسی

Ahand, Mohit (2009) " India- ASEAN Relations", from: **Institute of Peace and Conflict Studies (IPCS)**, from: www.IPCS.org, may2009.

Campbell,Ivan(2013). "India's role and interest in Central Asia".Saferworld, October,2013.

ChenoyanuradhaM(2007) " India's foreign policy: shifts and calculus" is available in:

<http://www.alterinter.org/spip.php?article1205>

Das Kundu,Nivedita(2009). "India should give closer look to the Shanghai Cooperation Organization". **Indian Council of World Affairs**.Sapru House, Barakhambha New Delhi.

Hathaway Robert (2003): India transformed: parsing India's "new" foreign policy, **India Review**, 2: 4, 1-14

Krishna, S. M (2007), India's Foreign policy priorities" India Quarterly, **A Journal of international Affairs**, 65: 345, P. 342-349.

Kumar, S.Y. Surendra(2013). "India and the Shanghai Cooperation Organization: Issues and Concerns".International Journal of China Studies. Vol.4,No.3, December 2013,p343-359.

Mohan, C. Raja ,,,The Essential Triangle, "" Indian Express, August 5, 2011, <http://www.indianexpress.com/news/the-essential-triangle/827305/>.

Rajagopalan, RajeswariPillai (2001): "Indo-US relations in the Bush White House", **Strategic Analysis**, 25: 4, 545-556.

Salma bava,Ummu(2007) "India's role in the emerging world orders" **FES Brefig Paper 4**.

Singh Roy,Meena(2012): India's Options in the Shanghai CooperationOrganisation, **Strategic Analysis**, 36:4, 645-650

Singh Roy,Meena(2014) " the Shanghai Cooperation Organization: India seeking New role in the Eurasian regional mechanism". **Institute for Defence Studies and Analysis**.Monograph Series.No.34 Fwbruary 2014.

VarunSahni (2007): India's foreign policy: Key drivers, **South African Journal of International Affairs**, 14: 2, 21-35.

V. Pant, Harsh (2012): "The Pakistan Thorn in China–India–U. S. Relations", **The Washington Quarterly**, 35: 1, 83-95.